

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روز: سه شنبه

مصادف با: ۲ صفر ۱۴۳۶

ادامه مطلب چهارم: اصولی و لفظی بودن مسأله

بیان شد که اثبات اصولی بودن مسأله مقدمه واجب و همچنین عقلی بودن آن، نیازمند تحقیق در دو محور می باشد، محور اول گذشت و به این نتیجه رسیدیم که این مسأله داخل در مسائل علم اصول است، چون ملاک اصولی بودن یک مسأله آن است که بدون واسطه یا با واسطه، کبرای استدلال بر حکم شرعی قرار گیرد و مسأله ما نحن فیه از این ملاک برخوردار می باشد. در ادامه به بیان محور دوم یعنی عقلی بودن مسأله مقدمه واجب خواهیم پرداخت.

بیان محور دوم: عقلی بودن مسأله

بحث در مورد آن است که آیا مسأله مقدمه واجب، مسأله ای لفظی بوده و مربوط به دلالت امر می باشد و یا بحثی عقلی بوده و مربوط به احوال و عوارض امر و مدلول آن است؟

با مراجعه و تأمل در کتب اصولی، ملاحظه می شود که بعضی این بحث را با تعبیر «هل الامر بالشیء امرٌ بما لا يتمّ الا به ام لا؟»^۱ و بعضی دیگر با تعبیر «هل الامر بالشیء، يقتضي ايجاب ما لا يتمّ الا به ام لا؟»^۲ مطرح می نمایند و این گونه تعبیر، ذو وجهین بوده و با عقلی و لفظی بودن بحث، سازگاری دارند، ولی با مراجعه به متن بحث و آنچه در مقام بررسی مسأله و استدلال بر آن ذکر شده است، روشن می گردد که محلّ نزاع، ملازمه یا عدم ملازمه میان ايجاب ذی المقدمه و ايجاب مقدمه آن است و به تعبیری اصحّ، بحث از حکم عقل به ملازمه شرعی میان امر به ذی المقدمه و امر به مقدمه، مدّ نظر می باشد؛ و اما کسانی که در طرح بحث کنونی صریحاً ملازمه و استلزام را مطرح کرده اند^۳، شکی نیست که این بحث را بحثی عقلی می دانند.

بنا بر این در مجموع می توان ادعا نمود که با مراجعه به کتب اصولی، روشن می گردد که مسأله مقدمه واجب نزد اکثر اصولیون، مسأله ای عقلی می باشد، با این وجود محقق خراسانی^۴ و به تبع ایشان محقق نائینی^۵ و محقق خویی^۶ و بعضی دیگر^۷ «رحمة الله عليهم اجمعین»، از کلام صاحب معالم «رحمة الله عليه» استظهار کرده اند که گویا ایشان بحث از مقدمه واجب را یک بحث لفظی می دانند، نه یک بحث عقلی.

۱- الذریعة الى اصول الشريعة، جلد ۱، صفحه ۸۳

۲- بدائع الافکار، صفحه ۲۹۵

۳- مانند مرحوم شیخ در مطارح الانظار، صفحه ۳۷، محقق رشتی «رحمة الله عليه» در بدایع الافکار، صفحه ۷۷ و محقق قزوینی «رحمة الله عليه» در تعلیقة علی معالم الاصول، جلد ۳، صفحه ۳۷۶

۴- ایشان در کفایة الاصول، صفحه ۸۹ می فرمایند: «ثم الظاهر أيضا أن المسألة عقلية و الكلام في استقلال العقل بالملازمة و عدمه لا لفظية كما ربما يظهر من صاحب المعالم حيث استدلل على النفي بانتفاء الدلالات الثلاث مضافا إلى أنه ذكرها في مباحث الألفاظ ضرورة أنه إذا كان نفس الملازمة بين وجوب الشيء و وجوب مقدمته ثبوتا محل الإشكال فلا مجال لتحرير النزاع في الإثبات و الدلالة عليها بإحدى الدلالات الثلاث كما لا يخفى».

۵- فوائد الاصول، جلد ۱، صفحه ۲۶۱

۶- محاضرات فی اصول الفقه، جلد ۲، صفحه ۲۹۶

۷- مطارح الانظار، صفحه ۲۰۴

خارج اصول، سال ششم، «مبحث نواهی»... استاد معظم حاج شیخ عباسعلی زارعی سبزواری «دام عزه»

ایشان وجه استظهار را این دانسته اند که مرحوم صاحب معالم در مقام نفی وجوب مقدمه می فرمایند: «لیس لصیغة الامر دلالة علی ایجابہ بواحدة من الثلاث»^۱، یعنی صیغه امر به هیچ یک از دلالات سه گانه لفظی - مطابقی، تضمینی و التزامی - دلالت بر ایجاب ما لا یتّم الا به ندارد و این فرمایش حکایت از آن دارد که بحث را لفظی و مربوط به دلالت صیغه امر می دانند.

نقد و بررسی استاد معظم

با مراجعه به صدر کلام صاحب معالم «رحمة الله علیه» و همچنین با مراجعه به آنچه ایشان پس از این استدلال آورده اند، روشن می شود که نگاه ایشان نیز به مسأله مقدمه واجب، مانند اکثر اصولیون، نگاهی لفظی نبوده و بلکه نگاهی عقلی می باشد.

ایشان در ابتدای بحث، محلّ نزاع را اقتضاء بین دو ایجاب مطرح می نمایند^۲ و پس از آن در مقام نفی و اثبات، ادله عقلی مطرح شده را مورد اشاره قرار می دهند^۳ و سپس ادله ای مثل تکلیف به ما لا یطاق بودن امر به ذی المقدمه، بدون امر به مقدمه را طرح می نمایند^۴ که از مجموع این فرمایشات استفاده می شود که نگاه ایشان نیز به مسأله، نگاهی عقلی می باشد. لذا استدلال ایشان برای نفی ایجاب مقدمه به عدم دلالت صیغه امر به دلالت های سه گانه، خارج از محلّ نزاع می باشد.

و اما اینکه محقق خراسانی «رحمة الله علیه» - در مقام استظهار لفظی بودن مسأله از کلام مرحوم صاحب معالم، علاوه بر استدلال به انتفاء دلالت های سه گانه - می فرمایند: «مضافاً الی أنّه ذکرها فی مباحث الالفاظ»، سخنی بسیار بعید است، چون مجرد ذکر یک بحث ذیل مباحث الفاظ، دلیل بر آن نیست که تدوین کننده بحث، معتقد به لفظی بودن آن باشد، به همین جهت است که شما بعضی از مباحث عقلی مثل مسأله ضدّ را ذیل مباحث الفاظ ذکر کرده اید، بدون اینکه به عقلی بودن آن مسأله اشاره کرده باشید و اساساً طرح این مباحث ذیل مباحث الفاظ، به دلیل وجود نوعی ارتباط میان این مباحث با مباحث الفاظ و عدم وجود باب مستقلّی در طرح مباحث عقلی، در سبک تدوین مباحث اصولی در گذشته بوده است.

نتیجه نهایی

از آنجا که بحث در مسأله مقدمه واجب، از وجود و عدم وجود ملازمه شرعی به حکم عقل بین امر به ذی المقدمه و امر به مقدمه آن می باشد، لذا قطعاً بحثی عقلی است، همانطور که چون در طرح این بحث اثباتاً و نفیاً، لا محاله نیاز به یک مقدمه خارجیّه شرعیّه ای به نام تعلّق امر شارع به ذی المقدمه وجود دارد، این بحث از غیر مستقلّات عقلیه و به تعبیری ملازمات عقلیه است که محلّ طرح آن در علم اصول می باشد.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین»

۱- ایشان در محاضرات فی اصول الفقه، جلد ۲، صفحه ۲۹۶، در مقام بیان وجه استظهار لفظی بودن بحث مقدمه واجب از کلام مرحوم صاحب معالم می فرمایند: «حیث قد استدلل علی عدم وجوب المقدمة بانتفاء الدلالات الثلاث».

۲- معالم الدین و ملاذ المجتهدین، صفحه ۶۲

۳- ایشان در معالم الدین و ملاذ المجتهدین، صفحه ۶۰، ابتدائاً می فرمایند: «اصل: الاکثرون علی أن الأمر بالشيء مطلقاً يقتضي إيجاب ما لا يتم إلا به».

۴- ایشان در ادامه در مقام استدلال بر وجوب مقدمه واجب می فرمایند: «ان القدرة غیر حاصلة مع المسببات فیبعد تعلّق التکلیف بها وحدها بل قد قیل إن الوجوب فی الحقيقة لا یتعلّق بالمسببات لعدم تعلّق القدرة بها أما بدون الأسباب فلامتناعها و أما معها فلكونها حینئذ لازمة لا یمکن ترکها فحیث ما یرد أمر متعلّق ظاهراً بمسبب فهو بحسب الحقيقة متعلّق بالسبب فالواجب حقيقة هو و إن کان فی الظاهر وسیلة له ...».

۵- ایشان در نهایت در مقام استدلال بر وجوب مقدمه الواجب می فرمایند: «احتجوا بأنه لو لم يقتض الوجوب في غير السبب أيضا لزم إما تکلیف ما لا یطاق أو خروج الواجب عن كونه واجباً و التالي بقسمیه باطل ...».

۶- کفایة الاصول، صفحه ۸۹